

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

زنده باد اول ماه مه

امروز اول ماه مه است، روز جهانی کارگر، روز همبستگی بین المللی کارگران، آغاز سال نو کارگری، جشن کارگران ...، جشن؟

جشنی که در آن میلیون‌ها کارگر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند!

جشنی که کارگر کوچکترین حق و دخالتی در تعیین نرخ فروش کالایش (کار) را ندارد و دیگران برایش حداقل دستمزد را تعیین می‌کنند

جشنی که میلیاردها تومان ثروت کارگران در بیمه‌های اجتماعی توسط غارتگران نظام سرمایه به یغما برده می‌شود!

جشنی که میلیون‌ها کارگران بی‌کار برای لقمه‌ای نان، به هر شرایط غیر انسانی سرمایه‌داران تن در می‌دهند!

جشنی که زنان زحمتکش دو سویه مورد ستم و اجحاف قرار گرفته و حتّاً از همان حقوق ناچیز کارگران مرد نیز بی بهره‌اند!

جشنی که کارگران مهاجر از کشورهای منطقه، برده‌وار مورد ستم و استثمار و همه‌گونه تحقیر و توهین و بی‌حقوقی قرار دارند!

جشنی که ملیون‌ها کودکان کار، به علت فقر خانواده، به جای نشستن در کلاس درس، ناگزیر به حاشیه خیابان‌ها روآورده و مظلومانه برای لقمه‌ای نان به هر کار سنگین و پستی تن در می‌دهند!

جشنی که کارگران از حق تشکل، اعتصاب و اعتراض محرومند!

جشنی که کوچکترین اعتراض و حق طلبی با اخراج، سرکوب، زندان، شکنجه و مرگ مواجه می‌شود!

جشنی که در آن کارگر زندانی بیماری را از بیمارستان به زندان می‌کشانند و مانع از ادامه مداوای او می‌شوند (رضا شهابی)

جشنی که به کارگر زندانی دیگری با چندین بیماری سخت، اجازه معالجه و مرخصی نمی‌دهند (محمد جراحی)

جشنی که به یک کارگر بیمار زندانی مرخصی برای ملاقات فرزند مبتلا به سرطان‌ش نمی‌دهند (بهنام ابراهیم زاده)

جشنی که کارگر مبارزی در اعتراض به شرایط غیر انسانی و قرون وسطایی زندان‌ها، بیش از یک ماه در اعتصاب غذا به سر برد، اما کوچک‌ترین توجهی به خواسته‌های او نمی‌شود تا از پای درآمد (شاهرخ زمانی)

جشنی که ...!

چنین "جشنی" در گوشه‌ای از جهان به نام ایران برگزار می‌شود که خود تصویری از "جشن‌های مشابه در سایر نقاط جهان است.

نظام جهانی ضد کارگری سرمایه، سوار بر اسب مراد؛ غارتگری، چپاول و استثمار را به حدی رسانده که ناشی از فقر و فلاکت و بی‌حقوقی تحمیل شده بر کارگران، رمق و دلیلی برای جشنی واقعی در اول ماه مه برای آنها باقی نگذاشته است. بی‌سبب نیست که هرساله برنامه‌های اول ماه مه کم‌رنگ‌تر و محدودتر می‌شود.

اما طبقاً جهانی کارگر، به حکم همبستگی ذاتیش، به سبب هم سرنوشتیش و به دلیل دردهای مشترکش، علارغم این اوضاع، در این روز به دور هم جمع می‌شوند، مشت‌ها را گره می‌کنند و با شعار تاریخ ساز: **"کارگران جهان متحد شوید"** تجدید عهد می‌کنند که برای کسب حقوق از دست رفتۀ خود، برای آزادی هم‌طبقه‌ای‌های خود از زندان، برای ایجاد تشکلات مستقل، برای تأمین یک زندگی انسانی و سرانجام برای سرنگونی نظام ضد بشری سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم، هم‌دوش و هم‌صدا یک لحظه از پای ننشینند. فریادهای رسای: **"دیگر بس است!"** کارگران در اقصی نقاط جهان، بشارت دهند! فرا رسیدن اول ماه مه‌ای است که کارگران جشن واقعی خود را برگزار کنند.

زنده باد اول ماه مه!

کارگران جهان متحد شوید!

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مه ۲۰۱۴ - اردیبهشت ۱۳۹۳

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

متشکل شویم،

سازماندهی کنیم!

کارگران متحد شویم!

سخنرانی به مناسبت اول ماه مه - لس آنجلس



بزرگ زیست و بزرگ رفت

درگذشت دکتر محمد علی خوانساری

رفیق عزیز و دیرین مان دکتر محمد علی خوانساری در ساعت ۲ و ۵ دقیقه بعد از ظهر روز جمعه اول فروردین ۱۳۹۳ (۲۱ مارس ۲۰۱۴) در پی دوسال مبارزه با سرطان لوزالمعده در آپارتمان محل سکونتش در شهر نیویورک درگذشت. جنازه او سه روز بعد به خواست خودش سوزانده شد و خاکسترش را فرزندان او در سه نقطه از جهان به آب دریا خواهند سپرد. او سربلند زیست و سربلند رفت.

محمد علی خوانساری از پرورش یافتگان دوره پرجوش و خروش جنبش ملی شدن صنعت نفت بود. تجربه های این دوره در شکل گیری و قوام شخصیتش نقش بسزایی داشت. او فعالیت سیاسی خود را از دوره دبیرستان در

اصفهان آغاز کرد و از همان زمان خود را مصدقی و ملی می دانست. علی هنوز در دبیرستان بود که کودتای بیست و هشت مرداد سرنوشت مصدق، جنبش ملی شدن صنعت نفت و جوانانی همانند او را رقم زد. و این نوجوان اصفهانی مانند بسیاری از هم نسلان پر شر و شور آن زمان بیشتر سیاسی شد. علی شاگرد اول استان اصفهان شد و با قبولی در کنکور پزشکی دانشگاه به تهران رفت و در دانشکده پزشکی به تحصیل پرداخت. شرکت در تظاهرات خودانگیخته دانشجویان در دفاع از مصر در جریان ملی شدن کانال سوئز در سال ۱۳۳۵ اولین فعالیت سیاسی او در این دوره بود. وی به زودی به گروه کوچک اما موثر "نیروی نهضت ملی ایران" پیوست و از طریق آن در شکل گیری فعالیت های جبهه ملی نقش بازی کرد. در همین دوره در فردای اولین روز فعالیت های جبهه ملی در ۸ دی ۱۳۳۹ دستگیر و حدود چهار روز در قزل قلعه زندانی شد. بعد از آزادی از زندان، علی با شدت و حدت بیشتری به فعالیت در جنبش دانشجویی و جبهه ملی ادامه داد و در جرگه جمعی قرار گرفت که با عنوان «جمع گویندگان جبهه ملی» نامیده می شد. در روز بعد از حمله رژیم به دانشگاه در بهمن ۴۱، او در جلسه فعالان جبهه ملی دستگیر و بازهم حدود یک ماهی میهمان زندان قزل قلعه شد. علی بعد از پایان دانشکده پزشکی در سال ۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و پربارترین دوره زندگی خود را آغاز کرد.

محمد علی خوانساری هم اهل علم بود و هم اهل سیاست. او سخت پیگیر تحصیل و آموزش خویش بود و چندی پس از کسب تخصص در طب داخلی با فوق تخصص در قلب و عروق دوره کارشناسی ارشد در تغذیه و بهداشت از دانشگاه کلمبیا را نیز به پایان رسانید. اما، سیاست و فعالیت سیاسی مهمترین سودای این پزشک دانشمند و تیز بین بود. او مبارزات خود را در چارچوب کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی و جبهه ملی پی گرفت. سهم وی در شکل گیری و ادامه فعالیت جبهه ملی خاورمیانه فراموش نشدنی است.

علی از اعضای هسته های اولیه گرایش سوسیالیستی در جبهه ملی و سپس گروه ستاره بود که به یاری رزمندگان داخل کشور شتافت و سال ها بعد تحت عنوان «گروه اتحاد کمونیستی» فعالیت مستقل خود را آغاز کرد. علی هرچه داشت به صورت مادی و معنوی در این مسیر گذاشت. با وجود فعالیت های علنی و مخفی گسترده کمتر کسی می توانست حدس بزند در پشت چهره آرامش چه هیجان و تلاشی در کار است. «گروه اتحاد کمونیستی» که بعدها به «سازمان وحدت کمونیستی» تبدیل شد عمیقا مدیون تلاشها و فعالیت های او بود.

علی خوانساری در عضوگیری و کادر سازی، جمع آوری و اهداء کمک های مالی و امور انتشاراتی گروه ستاره و جبهه ملی خاورمیانه و نیز در انجام وظایفی که سازمان های انقلابی داخل کشور (به ویژه سازمان چریک های فدائی خلق) به عهده اش گذاشته بودند از هیچ کوششی فروگذاری نکرد. او هم زمان با انقلاب به ایران بازگشت و در فعالیت های سازمان وحدت کمونیستی درگیر شد. اما، به اصرار فعالان سازمان و با توجه به شرایط خانوادگی اش بار دیگر به آمریکا بازگشت و در آن جا همچنان به فعالیت سیاسی خویش ادامه داد.

هر آن چه نمودار زندگی این مرد بزرگ بود، در رفتنش به سوی مرگ نیز تجلی یافت. از دوسال پیش با پیدایش سرطان لوزالمعده، قامتش راست ترشد و روحیه اش بشاش تر از همیشه. یک لحظه شکایت نکرد. پایدار بر آرمان های آزادیخواهانه و سوسیالیستی اش محکم و منضبط به دوستانی که از بیماری او ناراحت بودند دلداری می داد. با پیشروی بیماری اش، برجستگی های اخلاقی او نمایان تر می شد. می گفت: هر آن چه در زندگی خواسته ام کرده ام و از نظر شخصی هیچ مساله ای ندارم. تنها آرزویم آزادی و عدالت برای همه مردم دنیا است که مطمئن هستم روزی به دست خواهد آمد.

روحیه ی علی در این دوسال همساز با درس هایی بود که در طول زندگی داد.

ما درگذشت دکتر محمد علی خوانساری را به فرزندان وی کاوه، ژاله، ژیان، و خانواده خوانساری و همه مبارزان آزادی و عدالت اجتماعی در ایران تسلیت می گوئیم.

یادش همیشه با ماست

۵ آوریل ۲۰۱۴ (۱۶ فروردین ۱۳۹۳)

یرواند آبراهامیان، هرمز آشتیانی، جمشید احدی، خشایار استوانی، ناصر اعتمادی، ساسان الفت، جواد باجغلی، رحیم باجغلی، باقر باقری، علی رضا بنی فضل، عباس بهشتی، میثاق پارسا، ناصر پاکدامن، شهناز تابانفر، آسیه ثابت قاسمی، سرور ثابت قاسمی، مسعود جاوید، تامس چپمن، هایدی چپمن، حمید حسینی، قاسم خاکسار، پیروز خان ملک یزدی، فرح خان ملک، فیروزه خان ملک، افسانه خواجوی، زهره خیام، پروین دانش، داریوش دانش، مزدک دانشور، آرش دآوری، محمد دآوری، خلیل رستم خانی، حمید رضایی، رامین روحانی، سامان روحانی، صبا روحانی، مهدی زارعی، فخری زرینی، جعفر سامع، ویدا سمیعیان، ولی

سیادت، لیلی شایگان، مریم شایگان، علی شایگان شیرازی، کیوان شایگان شیرازی، داراب شباهنگ، پری شریف، سعید شریف کاظمی، شافی شریفیان، مینو شریفیان، دخی شهشانی، علالدین شهشانی، کامران صادقی، سعید صدر، باقر صمصام، هرمز صمیمی، حمید طباطبایی، رضا فتحی، عباس فتحی، حسن فرشچی، منظر فروهر، کامبیز قائم مقام، محسن قائم مقام، پرویز قلیچ خانی، محمد کارگهی، پریوش کاشانی، سروش کاظمی، کاظم کردوانی، عزیزالله کرملو، عبدالکریم لاهیجی، ریچارد لو، هدایت متین دفتری، بابک مرادی، بیژن مصاحب نیا، ناهید مظفری، بهروز معظمی، ژیلا معظمی، رضا معقول، لیلا معقول، پروانه موسویان، ناصر مهاجر، امیر میرزاییان، مهدی ناظر، نینا ناییبی، فیروز نجومی، نیکزاد نجومی، علی ندیمی، نیلوفر ندیمی، فرهاد نعمانی، فیروزه نوری، مهوش وطن خواهی، شهرام وفایی کیش، مهرداد وهابی، ایرج هیستینگ، بیل هیستینگ، رامین هیستینگ، شیرین هیستینگ، ساسان یغمایی، سعید یمین، حسام یوسفی، مهدی یوسفی

مراسم یاد بود علی عزیز در روز شنبه ۱۹ آوریل ۲۰۱۴ (۳۰ فروردین ۱۳۹۳) در ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در ایالت نیوجرسی درنشانی زیر برگزار می گردد.

بحث و گفت و گوی سیاسی با همراهان

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

بحث و گفت و گوی سیاسی با همراهان

آغازگران بحث:

فرهنگ قاسمی : سیاست های داخلی دولت روحانی

شیدان وثیق: ملاحظات بر منشور شهروندی

زمان: دوشنبه ۱۰ مارس ۲۰۱۴

ساعت: ۲۰ (به وقت اروپا)

اتاق:

Education

Other

Jomhurikhahan Demokrat wa Laic

گروه کار سیاسی

۸ مارس در خانه فرهنگ استکهلم میزگردی با شرکت پژوهشگران کریستینا فلورین، تینا روزنبری و مهرداد درویش پور

شنبه ۸ مارس در خانه فرهنگ استکهلم ساعت ۱۵

برگزارکننده: مجله فرهنگی فمینیستی بانگ

نطق های تاریخی سیاسی زنان در سوئد

مجله فرهنگی فمینیستی سوئدی بانگ روز جهانی زن را در خانه فرهنگ در مرکز شهر استکهلم جشن می گیرد. در میان برنامه های گوناگون و متنوع که در طی روز جریان دارد، میزگردی نیز در ساعت ۱۵ بعد از ظهر برگزار می شود که به بازخوانی و گفتگو درباره ۳ نطق تاریخی زنان سوئد در باره سیاست های جنسیتی و جنسی اختصاص دارد.

نخست بیانکا کرونلف و ایدا علی لینگکوئیست سه نطق تاریخی مبارزه زنان برای حق رای برابر در سال ۱۹۱۰، جبهه لژین ها در دهه ۷۰ و سخنرانی فاطمه شاهین دال در آغاز قرن بیست و یکم در پارلمان سوئد (که مدت کوتاهی پس از آن توسط پدر خود به قتل رسید) را بازخوانی خواهند کرد. سپس میز گردی با شرکت پژوهشگران فمینیست کریستینا فلورین، تینا روزنبری و مهرداد درویش پور برگزار خواهد شد تا

درباره اهمیت تاریخی این سخنرانی های زنان، تحولات جنبش فمینیستی، طنز و جدیت، نظریه میان برشی و کویر فمینیسم و گذشته و آینده آن گفتگو شود. این میزگرد توسط کلارا آرن بری یکی از مولفان کتاب "متن های کلیدی سیاسی زنان" اداره می شود. برای اطلاع از کل برنامه به لینک زیر رجوع کنید.

<http://www.bang.se/debatt/fira-8-mars-med-bang-2014-02-21>

معرفی کتاب به مناسبت روز زن انجمن فرهنگی واجتماعی ایرانیان درفرانسه(وال د' مارن)

